

ظریف‌سازی چه خواهد بود؟ چون به هر حال ترکیب و اندازه اشیا که ما را احاطه کرده‌اند به ناگزیر بر رابطه ما با آنها تأثیر دارد. در این برهم کش پویای موجود بین اشیا و آدمها، ظریف‌سازی یک عنصر در مناسبات فی‌مابین، معنایی بیش از یک تقلیل در اندازه دارد. یک تلویزیون هواندازه با یک دسته کارت بازی، دیگر قطعه اثاثه‌ای متناسب با یک صندلی، یک میز یا یک دولاچه نیست؛ و تصویری که بر صفحه آن ظاهر می‌شود دیگر تناسبی با یک نقاشی آویخته شده بر دیوار یا روی جلد یک مجله ندارد. ما می‌توانیم یک تلویزیون بسیار ظریف را با خود به همه‌جا حمل کنیم. آن دیگر بخشی از پیکر ما می‌شود. و خیلی آسانتر می‌توانیم در خانه‌مان جایی برای آن پیدا کنیم. واکنش ما نسبت به کوچک‌کنی اشیا اهمیت زیادی دارد زیرا نمایانگر آن است که تا به حال برای این پیشروی ظاهر آبی ضابطه به سوی ظریف‌سازی ممکن بود حدی قائل شد. همچنانکه اشیا کوچک و کوچکتر می‌شوند، انگشتی که آنها را به کار می‌گیرند، بزرگتر و بزرگتر می‌نمایند...

اشیا ظریف شده را می‌توان «ایجادکننده محیط دوستانه» به حساب آورد، چون به نحوی طراحی شده‌اند که کمترین جا را بگیرند و حداقل انرژی یا منابع دیگر را صرف کنند. در همین حال ما را از مزاحمت‌های زمان و مکان رها می‌سازند؛ مثلاً در شلوغی آزاددهنده یک زیرگذر فقط کافی است که آدم به خلوت استریوی شخصی‌اش پناه ببرد. البته بهره‌گیری از این امکانات دوستانه‌ای که ظریف‌سازی فراهم آورده نیز حدودی دارد، وگرنه مصداق «تقلیل به هیچ» می‌شود. مثلاً از لحاظ فنی می‌توان این مجله را به یک سیستم اندازه‌فعلی آن تقلیل داد و از این طریق دریاب هزینه‌های مرکب، کاغذ، وقت، پست و حمل و نقل صرفه‌جویی کرد. ولی متأسفانه چنین مسجله‌ای را نمی‌شود با چشم عادی خواند.

فرآورده‌های ظریف شده مصرفی مثل ریزکامپیوترها و تلفنهای دیجیتال رومیزی از چیزهای آشنای زندگی روزانه ما شده‌اند. در ژاپن با استفاده از تکنولوژی ساعت‌ساز، یک روبات خیلی ظریف به نام «موسیو» ساخته شده است که به وسیله یک موتور بسیار کوچک و با مصرف انرژی خیلی کم، کار می‌کند و همراه خود یک دستگاه نوسانگر (امپلاتور) کریستال کوآرتز خیلی جمع و جور دارد که این ریز روبات را طی مدتی طولانی به حرکتی بسیار دقیق و مناسب قادر می‌سازد. «موسیو» در معارف صنعتی و پزشکی دارای فوائد بالقوه بسیار است. تصورش را بکنید که یک ریز روبات به بدن شما تزریق شود و او به هر طرف برود و همه جای بدن شما را معاینه کند و در صورت لزوم تحت عمل قرار دهد.

اما همه اشیا در مسیر کوچک شدن نمی‌افتند. مثلاً تردیدی نیست که اثاثه لباس و لوازم آشپزی در سالهای آتی دستخوش دگرگونیهای اساسی خواهند شد، لکن گرچه آنها از بعضی لحاظ ابعاد خود را از دست می‌دهند، اما جای تردید است که کوچکتر هم بشوند. ■

اروک لوی

اعلای فلسطین اشغالی است ولی به عنوان طراح آزاد در همه‌جا کار می‌کند. او دستیار یکی از واحدهای مدرسه‌ای ابداعات معنی در پاریس است.

پیو لیونی

اعلای ایالات متحد و معاون مؤسسه طراحی پاریس و مدیر یکی از واحدهای مدرسه‌ای ابداعات معنی در پاریس است.



مایکرو-مگا

نوشته ایوبووا و الکساندرا پولن

هر چند تناقض آمیز می‌نماید ولی در عصری که گرایش مشخص مدرنگرایانه به سوی خیلی بزرگ است، گرایشی به خیلی کوچک هم هست، از درختان کوچک ژاپنی گرفته تا تراشه‌های کامپیوتری. آیا اینها بی‌ارتباط با یکدیگرند یا دو جنبه متفاوت از همان گرایش به مدرنگرایند؟

آنها یکی که مدرن بودن را به وسیله زمان حال مورد بحث قرار می‌دهند لزوماً خودشان را هم موضوع بحث می‌دانند، زیرا مدرن بودن فقط در ارتباط با یک لحظه مشخص شده در زمان قابل تعریف است. از این رو، آن لحظه، چه بصورت ضمنی یا صریح، به منزله برهه‌ای در تداوم زمانی یک تمدن یا فرهنگ تعریف می‌شود، و هیچ برهه‌ای قابل توجه یا واقع نشانی‌تر از آن برهه‌ای نیست که چشم را با بزرگتر کردن بی‌تأسیب جنبه‌هایی از محیط پیرامون بیننده شگفت زده می‌سازد. این گرایش به نو جلوه دادن اشیا از راه بزرگ کردن‌شان، در اسطوره‌های آشنای برج بابل به نمایش در آمده است

گاه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی

فصل مانند بود. با گذرش شهرنشینی بافت زندگی روزانه نیز به نحو چشمگیری دگرگون شد. شهرها به عرصه‌ای برای نمایش قدرت فراگیر جذابیت مدرن‌گرایی تبدیل شد.

از آن پس فضا تحت فشار چنین سوداهایی کم کم روبرو با کاستی نهات رسیدن به نقطه اشباع نزدیک می‌نمود. انسان مدرن برای مقابله با آن، روپکردی نوین و با قدرتی همسان در مسیر مخالف را درپیش گرفت و به کاستن اندازه اشیااتی پرداخت که فضای بیشتری را می‌گرفت. «کوچک زیبات» را می‌توان شعار تکنولوژی قرن بیستم دانست، زیرا ظرفیت‌سازی درپس پیشرفت الکترونیک، تکنولوژی اطلاعات، خودکار کردن متعلقات خانه و محل کار و ارتباطات اشغال ذهنی غالب بوده است.



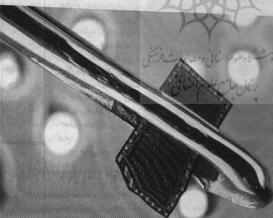
عظمت‌گرایی و ظرفیت‌سازی دو جنبه هم‌صدای همان اشتیاق به تحت نظارت گرفتن فضا به کمک تکنولوژیهای مدام روبه پیشرفت است. مدرنیته با استفاده از ذکاوت در این راه خود را چون مظهری از قدرت می‌نماید. در این جستجوی برای قابلیت بیشتر، جذابیت موجود در خیلی بزرگ و خیلی کوچک، توجه به هماهنگی و لازمه آن یعنی عقل را به کنار زده است. مدرن بودن مستلزم فرارفتن از حدود است. این شیوه برخورد از بعضی لحاظ می‌تواند شکل تازه‌ای از «غرور» باشد، مفهومی از تخطی از نظام طبیعی که یونانیان عهد باستان برای توصیف بربریت به کار می‌بردند. شاید چندان اتفاقی نباشد که در بسب انمی، عظمت و طرافت دست به دست هم می‌دهند تا چیزی بافرینند با قدرت تخریب بسیار و اندازه‌ای به‌همان نسبت کوچک.

که در آن تلاش برای دستیابی به عظمت، ترجمان میل فرارفتن از حدود انسانی است. چنین می‌نماید که اصرار به بنا کردن هرچه بزرگتر در واقع ازشاگردن نیاز انسان به برجای‌نهادن پادمانهایی پایدارتر از ناپایداریهای زمان است.

در قرن نوزدهم این برخورد پیش از پیش نظام‌دارتر و گسترده‌تر شد. دستاوردهای مهندسی انقلاب صنعتی راه را برای تعداد فزاینده‌ای از برنامه‌های ساختمانی با عظمت هموار ساخت: این دوران عصر ساختن ایستگاههایی به شکل کلیساهای جامع، فروشگاههایی شبیه معابد، و کارخانه‌هایی

ممکن است معاصران ما بربر باشند، اما درحین حال دانیان‌هایی نیز هستند که مدام با برهم زدن بنیادی هنجارهای جا افتاده، تن به خطر می‌دهند.

بالا، ملائکان دفاع در پایین، یک روزنامه و یک سوزن.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مقاله جامع علم انسانی

ایو بووا
در مؤسسه مطالعات سیاسی پاریس تاریخ درس می‌دهد. او نویسنده کتابی است به نام مناسبات فرانسه - لهستان علی‌اصح مسلح (پاریس، ۱۹۸۹).

الکساندرا پولن
مدرس زبان انگلیسی در دانشگاه کن (فرانسه)